

## بحران سازی چرا؟ به وحدت نیاز داریم.

### خطاب به فعالین کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

فرهاد شعبانی

نهم دی ماه هشتاد و شش

دوستان عزیز!

با انتشار اولین مطلب محسن حکیمی تحت عنوان "کشاکش دو رویکرد در کمیته هماهنگی و راه برون رفت از آن" و پاسخهایی به آن به امضای محمدحسین و دخالت دیگر فعالین کارگری از جمله منوچهر، چندکارگر علاقمند، افشین شمس قهفرجی و سعادت الله محمدی، مانی روشن، آرمین رهایی در این مباحثات و مقاله اخیر بهزاد سهرابی و پاسخ یوسف دانش به آن که تأیید تردید ناپذیری بر بیداری پیشروان جنبش کارگری ایران است، اما در عین حال نگرانی از بابت سرنوشت این تشکل نوپا و گرفتار آمدنش در چنگال و چنبره بحثهای زودرس و نگرش و متدلوزی روشنفکرانه در برخورد به تشکلهای توده ائی کارگران را افزایش می دهد. نه تنها این، بلکه مبارزات پیشروان جنبش کارگری که طی چند سال گذشته در مبارزه برای رهایی طبقه کارگر از قید استثمار سرمایه داری ایران واقعا" از جان و هستی خود مایه گذاشته اند را از مسیر و مکان واقعی خود منحرف می سازد. برای مثال در حالیکه جنبش کارگری ایران دهها خواست و مطالبه فوری مبارزاتی را در دستور دارد، در حالیکه شمع وجود یکی از رزمنده ترین پیشروان جنبش کارگری ایران (محمود صالحی) با خطر جدی روبرو است و باید فکر جدی تری کرد؛ و در شرایطی که گروه گروه از پیشروان جنبش کارگری دستگیر و به زندان می روند آیا حق است که ما از دنیای واقعی مبارزاتمان خارج شده و به این مباحثات دامن بزنیم؟ آیا مجازیم در حالیکه گرایش رادیکال درون جنبش کارگری و طبقه کارگر در کلیت خود به وحدت و همبستگی نیاز دارد ما چنان تصویری از خود به بیرون بدهیم که مایه شادمانی و ضعف دشمنان طبقه کارگر شود؟ مباحثاتی از نوع برخورد یوسف دانش به بهزاد سهرابی. نه هرگز ما مجاز نیستیم در این شرایط بجای تلاش برای وحدت انرژیمان را در این عرصه هدر دهیم.

دوستان عزیز!

در این یادداشت کوتاه که خطاب به دوستانه و از سر دلسوزی و هم سرنوشتی به فعالین کمیته هماهنگی، کارگران و دوستداران این حرکت است، ضمن ارزش گذاری بیداری فعالین و پیشروان جنبش کارگری، علل افزایش نگرانی را با تکیه بر تجارب شخصی بیشتر بازمی کنم.

سوی گذشته، نوزده سال اخیر زندگیم را بعنوان کارگر ساده اما متشکل و فعال در یکی از متشکلاترین بخشهای کارگران دنیا کار و زندگی کرده ام، سوی اعتقاداتم، تنها به این دلیل با اهمیت، نقش و جایگاه تشکلهای کارگری و هر درجه از وحدت طبقه کارگر برای مقابله با کارفرما و مبارزه با سرمایه داری نه تنها بیگانه نیستم بلکه آن را با تمام وجودم درک می کنم. از اینروست، بر این باورم در شرایطی که اختناق حاکم بر ایران هرگونه تحرک کارگری و مبارزه این طبقه را - ولو صنفی- در معرض و تقابل با موجودیت خود ارزیابی و بهر طریقی به مقابله بیرحمانه با

آن برمیخزد، اما پیشروان جنبش کارگری و گرایش رادیکال آن بر خلاف گذشته؛ با تکیه به نیروی خود و درست در قلب این اختناق با پرداخت هزینه بالا دست به ایجاد حرکتی برای متشکل کردن طبقه کارگرزده اند؛ بعنوان یک فعال کارگری نمی توان احساس شادی و شادمانی و امید به آینده نکرد؛ حتی اگر انتقاداتی به این حرکت وارد باشد.

مبارزات فعالین و پیشروان جنبش کارگری طی چند سال اخیر برای ایجاد تشکلهای کارگری و بهم فشردن صفوف کارگران از یک طرف، و مبارزات توده کارگران برای تحقق مطالبات و خواستههای برحق و عادلانه شان از طرف دیگر، هر ایرادی که به آن وارد باشد، دستاوردهائی را به ثبت رسانده که در تاریخ جنبش کارگری ایران برای همیشه بجا خواهد ماند.

با اطمینان می توان گفت که در هیچ دوره ائی ( دوره حاکمیت مطلق اختناق برجامعه ) ما شاهد چنین پیوند و ارتباط نزدیکی مابین بخشهای گوناگون پیشروان طبقه کارگر در ایران نبوده ایم. شاهد این حجم از حمایت و پشتیبانی بخشهای گوناگون جنبش کارگری ایران از همدیگر نبوده ایم. شاهد رابطه اصیل و مبتنی بر نیاز مبارزاتی گرایش رادیکال پیشروان و فعالین جنبش کارگری ایران با همدیگر نبوده ایم و .....

این موقعیت از جمله تشکلهای موجود فعالین کارگری هر انتقادی که به آن وارد باشد بدون تردید دستاورد یک دوره از مبارزات ماست، این دستاورد را باید حفظ و تکامل داد، این بحثها غیر ضروری نیست، اما زودرس است. منم مانند هر فعال جنبش کارگری بویژه همانند کسی که ۱۹ سال تمام است در دوجبهه، جبهه مبارزه علیه کارفرما و سرمایه داران و جبهه مبارزه علیه فرمیسم حاکم بر اتحادیه های کارگری محل کارم، مبارزه می کنم تا از بازپس گیری دستاوردهای کارگری جلوگیری و خواستی را به کرسی بنشانیم، بر این باورم که نباید گذاشت فرمیسم و سه جانبه گرایی به ذهنیت و گرایش حاکم بر تشکلهای و مبارزات ما تبدیل شود. نباید سنگ بنای تشکلهایمان را بر اساس سازش طبقاتی بنیان بگذاریم، اما دوستان! نباید فراموش کرد که ما هنوز سازماندهی چند اعتصاب و مبارزه را تجربه نکرده ایم تا بتوانیم از آن ارزیابی کنیم. ما هنوز نتوانسته ایم توده وسیع کارگران را در تشکلهای مورد نظرممان سازمان دهیم، ما هنوز تشکلهای مورد نظرممان را تشکیل نداده ایم. ما وحدت در مقیاس توده ائی که هیچ در سطح پیشروان را هم برای دوره ائی طولانی تجربه نکرده ایم، تا این مباحثات را دامن بزینیم. اجازه بدهید با هر ایراد و اشکالی، دوره ائی از وحدت و همگرایی را عملاً تجربه کنیم، اجازه بدهید غیر از پیشروان و فعالین، توده وسیع کارگران را حول مبارزات مشترکمان سازماندهی و به مبارزه جهت دار و با افق بکشانیم، بگذارید بورژوازی حاکم وحدت طبقاتی و مبارزه آگاهانه مان را علیه خود وسیعاً و در مقیاس توده ائی تجربه کند. آنوقت است که می توان به ارزیابی از موقعیت مان در همه زمینه ها پرداخت و بحث بر سر آن را دامن زد. خودتان هم می دانید که این بحثها زودرس است و متأسفانه از هر پاراگراف آن دانسته و یا ندانسته بحران سازی موج می زند، این برای کارگری که امید خود را به رشد و توسعه این تشکل و تشکلهای مشابه بسته است، مایه نگرانی و از دست دادن اشتیاق است. امید بر این است که فعالین جنبش کارگری بخصوص آن دسته از دوستانی که خود کمتر در اعماق زندگی واقعی کارگران هستند از مته به خشخاش زدن خودداری کنند و بجای آن اجازه بدهند که پیشروان و فعالین جنبش کارگری و کارگران درجه ائی از وحدت و مبارزه متحدانه با افق را تجربه کنند. با این امید. **فرهاد شعبانی**